

نکاتی دربارهٔ آشنایی بیشتر با مصطلحات ادیانی در ترجمه نقدی بر ترجمهٔ کتاب تاریخچهٔ مکاتب تفسیری...

محمدحسن محمدی مظفر*

در ترجمهٔ متن‌های مربوط به هر رشته‌ای از دانش‌ها و معارف بشری علاوه بر اینکه مترجم باید از ویژگی‌های زبان مبدأ و زبان مقصد اطلاع داشته و بر هر دو زبان تسلط کافی داشته باشد باید از مصطلحات علمی و تخصصی آن رشته نیز شناختی بایسته و کافی داشته باشد. مقاله حاضر ضمن بررسی ترجمهٔ کتاب تاریخچهٔ مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس، (اثر رابرت م. گرانت و دیوید تریسی، ترجمه ابوالفضل ساجدی، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۵. عنوان اصل انگلیسی این کتاب چنین

است: *(A Short History of the Interpretation of the Bible (second edition 1984))* نکاتی را دربارهٔ ترجمهٔ آن و نیز ترجمهٔ مصطلحات ادیانی در بر دارد.

مقدمه

چندی قبل به منظور مطالعه در طرح پژوهشی خود، در جست‌وجوی کتابی بودم که به تاریخ تفسیر و مکاتب و روش‌های تفسیری پیش از ظهور اسلام پرداخته باشد تا اینکه به کتاب *تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس* دست یافتم. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارم، این کتاب نخستین کتابی است که در این زمینه به فارسی ترجمه شده است. در این کتاب سیر تاریخی تفسیر کتاب مقدس و جریان‌های عمده آن به‌ویژه دو جریان متقابل ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی ارائه شده است و مطالعه آن برای عموم علاقه‌مندان به این مباحث و به‌ویژه دانشجویان رشته‌های ادیان و الاهیات سودمند است.^۱ با شروع مطالعه کتاب احساس کردم که ترجمه آن از ناهمواری خالی نیست و هر چه پیش‌تر رفتم این احساس بیشتر شد، مخصوصاً وقتی که در طی مطالعه مواردی را با متن انگلیسی کتاب مقابله کردم. یکی از اشکالاتی که نمود و بروز زیادی داشت، کم‌اطلاعی از مصطلحات ادیانی بود - ضعیفی که در بسیاری از ترجمه‌های فارسی به چشم می‌خورد و بر پژوهشگران ادیان و مذاهب پوشیده نیست. به هر حال تصمیم گرفتم نکاتی را در مورد ترجمه این کتاب یادآور شوم تا هم خوانندگان فارسی‌زبان از مطالعه این کتاب بهره بیشتری ببرند و هم اینکه این نکات در چاپ‌های احتمالی بعدی کتاب لحاظ شود. برای دسته‌بندی این نکات، آنها را ذیل سه عنوان گردآوری کرده‌ام؛ البته این کار به معنای تمایز کامل آنها از هم نیست و ممکن است بتوان مواردی را ذیل عنوان‌های دیگر نیز قرار داد.

نکات مربوط به ترجمه مصطلحات

۱. واژه *theology* به‌طور مکرر در این کتاب به کار رفته است که در ترجمه آن هم

۱. در این زمینه آثار دیگری نیز در دسترس هستند مانند: کتاب *علم التفسیر* (به عربی) اثر فهیم عزیز، نشر دارالافتاه قاهره؛ مقاله «تاریخ تفسیر کتاب مقدس»، ترجمه حامد فیاضی، *مفت آسمان*، ش ۳۴؛ کتاب *درستنامه الاهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ص ۳۲۹-۳۳۹؛ کتاب *بهودیت، مسیحیت و اسلام* (ج ۲)، ترجمه حسین توفیقی، فصل ۲؛ *فهم کتاب مقدس* (ص ۱۲۹-۲۳۶)؛ و کتاب *مقدس چیست؟* نوشته کارل لوفمارک ترجمه محمدکاظم شاکر، فصل پنجم و ششم (ص ۹۳-۱۲۸).

«الاهیات» آمده است و هم «کلام». البته این معادل‌گذاری غلط نیست، ولی بهتر است که در ترجمه چنین متونی وحدت رویه حفظ شود و در برابر یک واژه تا آنجا که ممکن است در سراسر ترجمه از یک معادل استفاده شود، به‌ویژه اگر تفنن در معادل‌گذاری موهم این باشد که در متن اصلی نیز دو واژه متفاوت به کار رفته است؛ مثلاً در ص ۱۳۱ سطر ۵ و ۶ چنین آمده است: «قرون وسطا دوره انتقال از کلام تفسیری... به شکاف میان الاهیات و تفسیر کتاب مقدس است». این عبارت موهم آن است که ما با سه چیز مواجهیم: کلام تفسیری، الاهیات و تفسیر کتاب مقدس؛ در حالی که «کلام» و «الاهیات» یک چیزند و در برابر *theology* به کار رفته‌اند. مثال دیگر ص ۲۲۸ سطر ۹ و ۱۰ است که در آنها «الاهیات کتاب مقدس» و «کلام کتاب مقدس» به کار رفته که موهم افتراق آنهاست؛ در حالی که هر دو یکی‌اند. مثال دیگر ص ۳۹، س ۲ است: «از طرف دیگر، پولس به طور طبیعی ذهن کلامی دارد، البته مطمئناً الاهیات او از نوع الاهیات ما نیست»؛ در اینجا نیز منظور از «کلام» و «الاهیات» یک چیز است. پیشنهاد نگارنده آن است که در برابر *theology* «الاهیات» به کار رود، زیرا: الف. می‌توان با این معادل‌گذاری بین علم کلام اسلامی و الاهیات یهودی و مسیحی فرق گذاشت.

ب. در عربی نیز برای الاهیات مسیحی واژه «لاهوت» به کار می‌رود.
ج. در ترجمه برخی کتاب‌ها نیز این معادل‌گذاری مصطلح است؛ مثلاً جامع الاهیات (*Summa theologica*) اثر آکویناس (ص ۱۳۹)، رساله سیاسی - الاهیاتی اثر اسپینوزا (ص ۱۶۶) یا اصول ریاضی الاهیات مسیحی اثر جان کریگ (ص ۱۷۱).
د. از همه مهم‌تر اینکه واژه «کلام» در زبان فارسی هم به معنای علم کلام است و هم به معنای سخن و گفتار؛ از این رو به کاربردن آن در برابر *theology* گاهی ممکن است شبهه‌انگیز باشد، مخصوصاً اگر به فاصله نزدیکی «کلام» در هر دو معنا به کار رود؛ مثلاً در ص ۱۵۵ س ۲ «کلام» به معنای سخن و گفتار به کار رفته است و در ص ۱۶ و ۱۷ به معنای الاهیات.^۱ به هر حال اگر هم *theology* را به «کلام» ترجمه کردیم، بهتر

۱. نمونه دیگر از این نوع در فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها (ج ۱، ص ۳۰۱) است که در عنوان مطلب آمده: رویکردهای کلامی به استعاره و در اینجا «کلامی» معادل *theological* است و در ادامه مطلب «کلام استعاری» و «کلام

است برای افاده معنای «سخن و گفتار» همین واژه‌ها را به کار بریم نه واژه «کلام» را (مثلاً در همین صفحه سطر ۲ به جای «بافت کلام» گفته شود «بافت سخن»).

۲. Bible در فارسی به «کتاب مقدس» ترجمه می‌شود. کتاب مقدس متشکل از عهد عتیق و عهد جدید است. عهد عتیق متشکل از تورات (= اسفار خمسه) و کتاب‌های دیگر است و عهد جدید نیز متشکل از اناجیل (چهار انجیل) و رساله‌های دیگر است. بنابراین ترجمه دقیق وجه وصفی biblical «کتاب مقدس» یا «عهدینی» است؛ ولی بسته به سیاقی که این کلمه (biblical) در آن به کار رفته است، می‌توان آن را به «توراتی» یا «انجیلی» نیز ترجمه کرد؛ زیرا این دو تعبیر مأنوس‌تر هستند و در ادبیات اسلامی (به‌ویژه قرآن و حدیث) نیز تورات و انجیل به کار رفته است، و همچنین تلفظ آنها روان‌تر است.

به هر حال اصل در ترجمه Bible و کلمات هم‌خانواده‌اش آن است که به «کتاب مقدس» ترجمه شوند، مگر اینکه به حسب مورد، ترجمه آنها به «تورات» یا «انجیل» مناسب باشد. در ص ۱۶۴ س ۴ bibliolatry به «انجیل پرستی» ترجمه شده که ترجمه دقیق آن «کتاب مقدس پرستی» است، همچنان‌که در سطر ماقبل آخر همین صفحه continental biblicism به «نص‌گرایی قاره‌ای کتاب مقدس» ترجمه شده است (البته این تعبیر جالب نیست و بهتر است گفته شود: «پیروی از نص کتاب مقدس در قاره اروپا»). انجیل بخشی از عهد جدید است و عهد جدید بخشی از کتاب مقدس. شاید مسامحه در اطلاق انجیل بر کل عهد جدید (و نیز اطلاق تورات بر کل عهد عتیق) قابل چشم‌پوشی باشد، ولی اطلاق انجیل بر کل کتاب مقدس مسامحه‌ای ناروا و بلکه در مواردی نادرست است (مخصوصاً با توجه به اینکه خوانندگان فارسی‌زبان معمولاً انجیل را در مقابل تورات می‌دانند)؛ مثلاً در فرهنگ جامع پیشرو آریان‌پور (۱/۶۷:۴) در توضیح واژه Bible چنین آمده: «۱. انجیل، کتاب مقدس مسیحیان (که مشتمل است بر

لفظی «آمده که خواننده را مردد می‌کند که «کلام» در این کاربردها به چه معناست آیا الاهیات مراد است یا سخن و آیا کلام استعاری در برابر metaphorical theology به کار رفته یا چیز دیگر؟ البته با مراجعه به متن اصلی معلوم می‌شود که «کلام» در این موارد به معنای سخن است نه الاهیات؛ بگذریم از اینکه در اینجا کل ترجمه چندان دقیق و درست به نظر نمی‌رسد.

کتاب عهد عتیق و کتاب عهد جدید). انجیل بخشی از عهد جدید است و عهد جدید قسیم و در مقابل عهد عتیق است؛ بنابراین شاید اطلاق انجیل بر عهد جدید از باب اطلاق جزء بر کل درست باشد، ولی اطلاق آن بر عهد عتیق که قسیم و جدا و در مقابل عهد جدید است درست نیست (و قسیم الشيء ضد الشيء).

در همین فرهنگ (۲۴۵۲/۳) در توضیح واژه hexaameron چنین آمده است: «انجیل — کتاب پیدایش — داستان شش روز آفرینش جهان توسط خدا». در اینجا نیز تعبیر انجیل نادرست است؛ زیرا کتاب پیدایش بخشی از تورات است و به جای آن باید تورات یا کتاب مقدس گفته شود.

در ص ۱۷۸ س ۱۳-۱۴ نیز چنین آمده است: «کتاب دانیال [که بخشی از انجیل است]». کتاب دانیال بخشی از عهد عتیق است و انجیل بخشی از عهد جدید. این اشتباه در فرهنگ آریان پور (۱۲۸۴/۲) نیز به چشم می‌خورد.

۳. اصطلاح دیگری که نیازمند توضیح است، اصطلاح canon و canonical در مقابل apocrypha و apocryphal است. Canon به مجموعه کتاب‌های رسمی اطلاق می‌شود که نزد یهودیان یا مسیحیان مقبولیت و رسمیت دارند (مانند مجموعه کتاب‌های موجود در کتاب مقدس) و در مقابل apocrypha به نوشته‌هایی اشاره دارد که در این مجموعه رسمی پذیرفته نشده‌اند — در فارسی به این کتاب‌ها ملحقات، مجمولات، کتاب‌های غیرقانونی و مشکوک یا کتاب‌های قانونی ثانی گفته می‌شود (این کتاب‌ها اخیراً به فارسی ترجمه شده‌اند). پس مراد از canon همان نسخه رسمی کتاب مقدس است و ترجمه canon به «مجموعه قوانین» (ص ۱۶۹ و ۲۲۴)، «قانون شرع» (ص ۲۲۵ و ۲۳۴)، «قوانین» (ص ۲۳۴ و ۲۷۰ و ۲۷۶) و یا «قانون» (ص ۲۷۰ و ۲۷۶) نادرست است. بر این قیاس canonization نیز به معنای رسمیت بخشی / رسمی سازی / قانونی کردن است نه به معنای «تشریح» و قانون گذاری (ص ۲۳۵).

۴. literal در موارد زیادی به «منطوقی» ترجمه شده است، literalist به «ظاهرگرا»

۱. دو ترجمه از این نوشته‌ها وجود دارد: ۱. کتاب‌هایی از عهد عتیق: کتاب‌های قانونی ثانی، ترجمه پیروز ستیاری، تهران: نشر نی؛ ۲. اپوکریفای عهد عتیق (کتاب‌های فراموش شده عهد عتیق)، ترجمه عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

(ص ۱۱۲) یا «ظاهرگرایانه» (ص ۱۱۰) یا «حامیان حمل بر معنای ظاهری» (ص ۱۲۳) و literalism نیز به «تفسیر ظاهرگرایانه» (ص ۹۲) یا «حمل بر معنای ظاهری» ترجمه شده است. (ص ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۲۳ و ۱۲۴).

ترجمه literal به «منطوقی» یا «ظاهری» هر دو درست است، ولی اگر وحدت رویه و یکدست بودن معادل‌گذاری را نیز مدنظر داشته باشیم، شاید بهتر باشد که literal به «ظاهری» ترجمه شود؛ زیرا در کلمات هم‌خانواده literal نیز همین تعبیر به کار رفته و مثلاً گفته نشده است «منطوق‌گرایانه» یا «حمل بر معنای منطوقی». به علاوه برای خواننده فارسی‌زبان «ظاهری» از «منطوقی» هم واضح‌تر و هم مصطلح‌تر است؛ لذا در بخش سوم همین کتاب — که در نقد و بررسی آن نوشته شده است — تعبیر «ظاهرگرا» (ص ۲۸۷ و ۲۹۱)، «معنای ظاهری» (ص ۲۹۱، ۲۹۳ و ۲۹۷)، «ظاهرگرایی» (ص ۲۹۲) و «ظاهرگرایان» (ص ۲۹۳) به کار رفته است. قرینه دیگر اینکه در ص ۱۱۱ س ۲ در ترجمه apparent meaning «معنای ظاهری» آمده است که می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه literal meaning نیز باید به «معنای ظاهری» (نه «معنای منطوقی») ترجمه شود؛ زیرا apparent به «ظاهری» ترجمه می‌شود (نه منطوقی). بنابراین پیشنهاد آن است که literal به «ظاهری»، literalism به «ظاهرگرا/گرایانه» و literalism به «ظاهرگرایی» ترجمه شود.

در اینجا لازم است نکته‌ای را متذکر شوم. literalism (ظاهرگرایی) به معنای تقید و تمسک به ظاهر الفاظ و متون است و در برخی از ترجمه‌ها به «لفظ‌گرایی» یا «نص‌گرایی» برگردانده شده است. در کتاب فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها (۱۹۳۴/۳، ستون اول) docetism به «ظاهرگرایی» ترجمه شده و گفته شده که این واژه در الاهیات مسیحی به معنای «ظاهرگرایی» است. ولی باید گفت که docetism به معنای «ظاهرانگاری» (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۱۷) است (نه «ظاهرگرایی») و در برخی از ترجمه‌ها نیز به «روح‌انگاری» یا «شیخ‌انگاری» ترجمه شده است. مراد از docetism گرایشی در صدر مسیحیت است که عیسی را فاقد بدن واقعی می‌پنداشتند و رنج او را ظاهری می‌دانستند؛ (ری، هیک، ۱۳۸۶: ۷۳) با این توضیح، به نظر می‌رسد که «شیخ‌انگاری» معادل مناسب‌تری باشد. بنابراین پیشنهاد آن است که literalism به «ظاهرگرایی» و docetism به «شیخ‌انگاری» ترجمه شود؛ ولی در صورت ترجمه docetism به «ظاهرانگاری» می‌توان در ترجمه literalism «نص‌گرایی» یا «لفظ‌گرایی» را به کار برد تا میان «ظاهرگرایی» و «ظاهرانگاری» اشتباه

پیش نیاید.^۱

۵. گاهی اشتباه در ترجمهٔ اعلام باعث می‌شود که معرفه‌ها نکره شوند. در ص ۱۷۸ سطر آخر Balaam به «بالام» ترجمه شده است، در حالی که ترجمهٔ درست آن بلعام است. داستان بلعام بن‌بعور در کتاب مقدس آمده است (سفر اعداد، باب ۲۲ تا ۲۴) و در ادبیات اسلامی به بلعم باعورا مشهور است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۶۷-۲۹). مشاهده می‌کنید که چگونه همین اشتباه کوچک در ترجمه باعث می‌شود که امور قریب و معرفه برای خواننده به اموری غریب و نکره تبدیل شوند.

نمونه‌ای دیگر از این نوع، ترجمهٔ Porphyry به «پورفیری»^۲ (ص ۱۶۳) است که برای خوانندگان فارسی‌زبان، نامی غریب است، در حالی که مراد از او همان فرورزیوس معروف است (رک: کاپلستون، ۱۳۶۸: ۳۹ و ۱۳۸۷: ۳۸).

نمونهٔ دیگر، ترجمهٔ Michelangelo به «میشه لانگلو» در این عبارت است: «... مانند متون کلاسیک افلاطون، ارسطو، دانته، میشه لانگلو، شکسپیر و غیره...» (ص ۲۸۱). برای خوانندهٔ فارسی‌زبان این سؤال پیش می‌آید که این نام عجیب و غریب چیست که در ردیف مشاهیری همچون افلاطون، ارسطو، دانته و شکسپیر قرار گرفته است، مخصوصاً که نام لاتین او نیز در پاورقی نیامده است. حال آنکه مراد از او همان «میکلانژ» معروف است (فرهنگ آریان پور: ۳۲۹۳/۴).

همین‌جا یادآور شویم که برای اعلام کتاب مقدس می‌توان به فرهنگ اعلام کتاب مقدس نوشته امیرجلال‌الدین اعلم و برای اعلام لاتین به فرهنگ تلفظ نام‌های خاص نوشته فریبرز مجیدی، مراجعه کرد. البته فرهنگ اخیر جامع همهٔ نام‌های لاتینی نیست، ولی به هر حال برای یکدست‌سازی اعلام و نام‌های خاص در ترجمه‌ها نگاشته شده و

۱. البته در کتاب مذکور [فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها] ترجمهٔ عبارت حاوی این اصطلاح نیز درست نیست. ترجمه چنین است: «این آموزه که عیسی یا مسیح صرفاً باید رنج ببرند (ظاهرگرایان)...» (همان). عبارت انگلیسی چنین است: *The doctrine that either Jesus or the Christ merely seemed to suffer..*

در این ترجمه به تعبیر *seemed to* توجه نشده و اصلاً در ترجمه نیامده است، در حالی که نکته اصلی در همین تعبیر نهفته است یعنی اینکه رنج عیسی یا مسیح صرفاً رنجی ظاهری بوده و به نظر می‌رسیده که او رنج برده است (و در واقع رنجی نبرده است).

۲. البته همین نام در ص ۱۰۱ به «پورفیری» ترجمه شده است که یکدست نبودن ترجمه را نیز نشان می‌دهد.

گامی است در جهت استاندارد کردن و پرهیز از هرج و مرج در ترجمه‌ها.

۶. ص ۲۷: shema به «شما» ترجمه شده که املای درست آن «شَمَع» است.

۷. ص ۲۹ س ۹: high priest به «کشیش عالی رتبه» ترجمه شده است. این ترجمه به

لحاظ لغوی غلط نیست؛ ولی در فارسی کشیش معمولاً به روحانی مسیحی اطلاق می‌شود نه روحانی یهودی. مراد از این تعبیر در اینجا همان «رئیس کهنه» یا «کاهن اعظم» یهود است که در ترجمه‌های قدیم و جدید کتاب مقدس به کار رفته است (برای نمونه رک: مرقس ۱۴: ۶۳). در ص ۵۶ و ۵۸ نیز همین دو تعبیر به کار رفته است.

۸. ص ۳۲-۳۳: Haggada و Halakah به «حقاده» و «هلاکه» ترجمه شده و در ص ۶۵ به

«حقدا» و «هلکا». این ترجمه نه یکدست است و نه مصطلح. این دو واژه به ترتیب به «آگادا» و «هلاخا» ترجمه می‌شوند. برای اطلاع از مفهوم آنها می‌توان به این منابع مراجعه کرد: یهودیت، نوشته عبدالرحیم سلیمانی، ص ۲۴۱؛ عدالت کهنری در آیین یهود، ترجمه و تالیف حسین سلیمانی، ص ۳۰.

۹. ص ۵۸: در ترجمه Holy of Holies ترکیب «مقدس مقدس‌ها» آمده اما ترجمه

مصطلحش «قدس الاقداس است»؛ مانند «آن خیمه‌ای که به قدس الاقداس مسمتا است» (رساله به عبرانیان، ۳: ۹).

۱۰. در ص ۶۴ س ۹-۱۰ pastoral epistles به «رسائل شبانی» ترجمه شده، ولی در سطر

۱۱ چنین آمده است: «شکل نسبتاً مترقی حکومت کلیسایی که به همت کشیشان منعکس شد، به این نکته اشاره دارد که آنان ناشی از حیات پولس برنخاسته‌اند؛ و آموزش‌های کشیشان در باب کتاب مقدس سازمان‌یافته‌تر از آموزش‌های پولس است». در اینجا در متن انگلیسی the pastoral آمده است که به همان رسائل شبانی اشاره دارد، ولی در ترجمه به «کشیشان» ترجمه شده که نادرست است. ترجمه درست چنین است: شکل نسبتاً مترقی حکومت کلیسایی که در این رسائل بازتاب یافته است حاکی از آن است که آنها در دوران زندگی پولس شکل نگرفته‌اند، و تعالیم آنها درباره کتاب مقدس از تعالیم پولس سازمان‌یافته‌تر است. در ص ۲۲۳ نیز در ترجمه pastorals «شبانی‌ها» آمده که باید گفته شود «رسائل شبانی».

۱۱. ص ۶۹ س ۱۳: «به شکل لفظی» ترجمه in oral form است که بهتر است گفته

شود: «به شکل شفاهی». نیز در ص ۲۲۴ س ۸ در ترجمه oral tradition «سنت لفظی» آمده

که مصطلحش «سنت شفاهی» است.

۱۲. در ص ۷۶ س ۲ چنین آمده است: «در اینجا توجیه تنها به واسطه ایمان محقق

می‌شود». عبارت انگلیسی چنین است: Here is justification by faith only.

Justification در لغت به معنای «توجیه» است، ولی justification by faith از آموزه‌های

اساسی الاهیات مسیحی است که به معنای «آمرزدگی از راه ایمان» است (برای توضیح

این مفهوم رک: الیستر مک گراث، ۱۳۸۲: ۲۶۸-۲۱۷ و نیز مفتاح، ۱۳۸۵). بنابراین در ترجمه متون

تخصصی تنها مراجعه به فرهنگ لغت و معانی لغوی کافی نیست.

۱۳. ص ۱۱۸ س ۱۰: «ولی تاریخ‌گرایی آن مشکوک است». «تاریخ‌گرایی» در ترجمه

historicity آمده است؛ اما در این جمله معنای مناسبی ندارد و باید به «تاریخ‌مندی /

تاریخی‌بودن» ترجمه شود. «تاریخ‌گرایی» معمولاً در ترجمه historicism می‌آید (قس:

ص ۱۹ س ۱۵).

۱۴. ص ۱۲۳: در ترجمه philosophical interpreters «مفسران فلسفی» آمده که

بهتر است گفته شود: «مفسران فیلسوف / فیلسوف‌مشرّب». در ص ۲۵۸ نیز در

ترجمه theologian interpreter «مفسر کلامی» آمده که بهتر است گفته شود «مفسر

الاهدان / متکلم».

۱۵. ص ۱۳۶ س ۱۲-۱۳: در ترجمه liberal arts «هنرهای لیبرال» آمده است که برای

خوانندگان فارسی مقصود از آن روشن نیست. مراد از این تعبیر هفت رشتهٔ درسی‌ای

(هفت علم مقدماتی) است که در مدارس قرون وسطا تدریس می‌شده است (رک:

فرهنگ آریان پور: ۱۳۰۲۰۳، کاپلستون، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

۱۶. ص ۱۴۹ سطر آخر: «عیسی‌شناسانه» معادل Christological قرار داده شده است که

باید به «مسیح‌شناسانه» ترجمه شود. نیز در ص ۱۸۳ سطر آخر در ترجمه Christology

«عیسی‌شناسی» آمده است که «مسیح‌شناسی» صحیح است.

۱۷. ص ۱۵۰ س ۲: «چهارمین تورات» اشتباه است و باید به «انجیل چهارم» (fourth

Gospel) ترجمه شود.

۱۸. ص ۱۵۱ س ۱۰: در ترجمه gentile converts to Christianity «یهودیان تازه مسیحی»

آمده که نادرست است و باید به «غیریهودیان تازه مسیحی» یا «تازه مسیحیان غیریهودی

الاصل» یا «نوکیشان از غیریهودیان» ترجمه شود.

۱۹. ص ۱۵۱ س ۲۵: «مسیح‌شناسان» اشتباه است و باید به «انجیل‌نویسان» (evangelists) ترجمه شود. ص ۱۵۲ و ۱۵۳: «دیکون» (deacon) در فارسی به «شماس» ترجمه می‌شود.

۲۰. ص ۱۷۴: در ترجمه systematic theology «کلام سازمان‌یافته» آمده است که مصطلح نیست، و ترجمه مصطلح آن «الاهیات نظام‌مند» است. کتابی نیز به همین نام به فارسی ترجمه شده است: «درآمدی به الاهیات نظام‌مند، اثر ولفهارت پاننبرگ، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.

۲۱. ص ۱۷۷: در ترجمه Christ-myth theory «نظریه افسانه مسیح» آمده که مراد «نظریه اسطوره‌بودن مسیح» است و این مصطلح تر است. در این باره نیز کتابی به فارسی ترجمه شده است: «عیسی اسطوره یا تاریخ، اثر آرچیبالد رابرتسون، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸. در ص ۲۲۶-۲۲۷ نیز در ترجمه demythologizing «افسانه‌زدایی» آمده که مصطلحش «اسطوره‌زدایی» است.

۲۲. ص ۱۸۳: در ترجمه Elohist «الوهیست‌گرایانه» آمده و در پاورقی چنین توضیح داده شده است: «الوهیست نام نویسنده ناشناس برخی از بخش‌های کتب مقدس یهود است... ولی اولاً Elohist منسوب به Elohim است و در ترجمه‌اش باید «الوهیم‌گرا / گرایانه» یا «الوهیمی» گفته شود. ثانیاً الوهیست نام نویسنده نیست، بلکه مراد از آن اشاره به بخش‌هایی از کتاب مقدس و منبع آنها است که در آنها به خداوند با نام الوهیم (نه یهوه) اشاره شده است (برای توضیح در این باره رک: سلیمانی، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۵).

۲۳. ص ۲۰۴: form criticism به «نقد‌گرایی سازنده» ترجمه شده است و form critics به «نقد‌گرایان سازنده». آنچه در ترجمه این تعبیر، متعارف و معهود است «نقد / نقادی صورت / شکل» است؛ چنان‌که در ص ۲۶۹ س ۱۲ «نقد صوری» آمده است (قس: عزیز، بی‌تا: ۱۰۴، «نقد الصوره»). ظاهراً اشتباه بین حالت اسمی form (به معنای شکل و صورت) با حالت فعلی آن (به معنای ساختن و درست کردن) باعث این معادل‌گذاری غریب شده است. form history نیز به «تاریخ‌گرایی سازنده» ترجمه شده که نادرست است و باید گفته شود: «تاریخ صورت / شکل».

۲۴. ص ۲۲۴ س ۲۰: در ترجمه Incarnation «تجسم» آمده که مصطلحش «تجسد» است و کتابی به همین نام به فارسی ترجمه شده است: «اسطوره تجسد خدا، ویراسته

نکاتی درباره آشنایی بیشتر با مصطلحات ادبانی در ترجمه / ۱۳۱

جان هیک، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی و محمدحسن محمدی مظفر، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.

۲۵. ص ۲۲۴ س ۲۳: «رسائل کاتولیک» (Catholic Epistles) عنوانی است که بر رساله‌های یعقوب، پطرس (اول و دوم)، یوحنا (اول و دوم و سوم) و یهوذا اطلاق می‌شود، زیرا این رساله‌ها عام و جهانی‌اند و، برخلاف رساله‌های پولس، مخاطبشان افراد یا جوامع مسیحی خاصی نیست.

۲۶. genealogical در ص ۲۱۷ س ۱۹ به «نسبت‌شناسانه» و در ص ۲۴۹ س ۱۳ به «دودمان‌شناسانه» ترجمه شده که بهتر است یکسان شوند. ترجمه مصطلح این واژه «تبارشناسانه» است.^۱

نکات مربوط به ترجمه مفردات و ساختارها

۲۷. در ص ۱۶ س ۱۲-۱۵ چنین آمده است: «وقتی متکلمان اسکندران تأکید ورزیدند که ممکن نیست خداوند از هیچ چیزی تأثیر بپذیرد، مجبور بودند عباراتی را از عهد قدیم و جدید که با وضوح کامل بر نفی تأثیرپذیری خدا از هر چیز دلالت دارد تأویل کنند». اشکال این جمله بدون مراجعه به متن انگلیسی نیز آشکار است؛ زیرا صدر (ممکن نیست... تأثیر بپذیرد) و ذیل (نفی تأثیرپذیری خدا) آن هر دو به یک معناست و دیگر «تأویل کنند» معنا ندارد. با مراجعه به متن انگلیسی (ص ۴، پاراگراف اول) می‌بینیم که ذیل جمله چنین است: God is not impassible. بنابراین در ذیل جمله باید گفته شود: «نفی تأثیرناپذیری خدا» و در این صورت است که توضیح مترجم در پاورقی ۲ توجیه‌پذیر است. البته به جای این تعبیر منفی در منفی و گیج‌کننده، می‌توان «نفی» و «نا» را حذف کرد و گفت «تأثیرپذیری خدا» و در این صورت دیگر نیازی به افزودن پاورقی توضیحی نیز نیست.

۱. کتاب‌هایی نیز با همین عنوان منتشر شده است مثل *تبارشناسی اخلاق*، ترجمه داریوش آشوری، تهران: نشر آگه، ۱۳۷۷؛ *تبارشناسی هست مدرنیسم*، نوشته علی‌اصغر قره‌باغی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰؛ *تبارشناسی قومی و حیات ملی* نوشته اسماعیل یوردشاهیان، تهران: نشر فرزاد، ۱۳۸۰؛ *مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس*، نوشته حسین کلباسی اشتری، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.

۲۸. ص ۲۹ س ۱۲: «انجیل غیر لوقایی که شخصی غیر یهودی است». این عبارت ترجمه Gospel of gentile Luke است که ترجمه درست آن «انجیل لوقای غیر یهودی» است (قس: ص ۶۳ س ۴): بنابراین «غیر لوقایی» غلط است.

۲۹. ص ۴۰ س ۳-۲: «دیدگاه ارائه شده در اینجا مثال روشنی نیست یا به عبارت دیگر مطلبی است که] مانند رازی مخفی، نوع گفتاری است که آن را می توان تقریباً تأویل نامید». این جمله با اینکه عبارت داخل کرشه نیز برای مفهوم کردن آن افزوده شده، ولی باز هم نامفهوم است. عبارت انگلیسی چنین است:

Here the idea is not so much of an obvious example, or type, as of a hidden mystery, which might almost be called allegory.

ترکیب «not so much... as...» در فرهنگ هزاره (ص ۱۵۸۵، ستون دوم) به «نه... بلکه...» معنا شده است. بنابراین ترجمه این جمله چنین است: دیدگاه ارائه شده در اینجا نه نمونه یا نوعی روشن، بلکه رازی مخفی است که تقریباً می توان آن را تمثیل نامید.

۳۰. ص ۵۰ س ۳-۲: «مهم ترین مشخصه آن لفظ بازی یعنی تأکید بر کلمات مفرد به بهای مفاد کلام است». لفظ بازی در ترجمه verbalism آمده است که به نظر می رسد «واژه/لفظ محوری» معادلی مناسب تر باشد، خصوصاً که این واژه در مقابل تأکید بر بافت و سیاق سخن (context) قرار دارد. عبارت انگلیسی چنین است:

The most striking feature of it is its verbalism, its emphasis on single words at the expense of contexts.

ترجمه مناسب تر این جمله چنین است: مهم ترین مشخصه آن واژه محوری است، یعنی تأکید بر مفردات جمله به بهای از دست رفتن سیاق و بافت آن.

۳۱. در ص ۵۲ س ۹ و ۱۰ «این رسایل» در ترجمه the epistle آمده که نادرست است و باید «این رساله» ترجمه شود. (چنان که در سطر ۱۳ آمده است) و مراد از آن همان رساله به عبرانیان است که در سطور پیشین مورد بحث بوده است.

۳۲. در ص ۵۹ س ۳ چنین آمده است: «او در فصل یازدهم عهدنامه خود...» متن انگلیسی آن چنین است:

in the eleventh chapter of his treatise...

نکاتی درباره آشنایی بیشتر با مصطلحات ادبانی در ترجمه / ۱۳۳

یعنی «او [نویسنده رساله به عبرانیان] در باب یازدهم رساله‌اش...» treatise به معنای «رساله» است (نه عهدنامه).

۳۳. در ص ۶۰ س ۲۳ آمده است: «متای انجیل نویس در جان‌سپاری خود برای عهد قدیم» که ترجمه این عبارت است:

... in his devotion to the old Testament

تعبیر «جان‌سپاری» خیلی جالب نیست و بهتر است گفته شود: «دل‌بستگی / دلدادگی / سرسپردگی / پای‌بندی به عهد قدیم». در ص ۷۰ س ۱۴ نیز در ترجمه عبارت Who are so devoted to the Old Testament چنین آمده است، «مسیحیانی می‌یابد که آن قدر خود را فدای عهد قدیم کرده‌اند...» که بهتر است چنین گفته شود: «آن‌چنان دل‌بسته / پای‌بند به عهد قدیم‌اند که...».

۳۴. در ص ۷۴ س ۲ «عهد قدیم» آمده که نادرست است و باید «عهد جدید» (New Testament) باشد. در ص ۷ نیز «این اناجیل» نادرست است و باید «این انجیل» باشد؛ زیرا در متن انگلیسی ضمیر It آمده است که به انجیل لوقا اشاره می‌کند.

۳۵. در ص ۹۱ سطر اول چنین آمده است: «پس از اینکه معنای منطوقی خارج گردد» (After the literal sense has been excluded) و در ص ۱۵۱ س ۲۳ نیز آمده است: «حتی در حالی که او برای اخراج آن می‌کوشید» (even while he tride to exclude it) ولی در ص ۹۹ س ۱۲ آمده است: «معنای منطوقی کتاب مقدس را از آن استخراج کند» (to exclude the literal meaning of scripture) به معنای طرد کردن و اخراج کردن است و جمله سوم (استخراج کند) قطعاً نادرست است.

۳۶. جمله پایانی ص ۹۵ چنین است: «این ویژگی‌ها برای اورینگن در کتابش با نام درباره اصول معکوس شده بوده». عبارت انگلیسی چنین است: This task was reserved for Origen, in his *De Principiis*.

یعنی: این وظیفه/کار (یعنی پدید آوردن نظام الاهیاتی) به اورینگن در کتابش به نام درباره اصول اختصاص یافت. reserve به معنای «ذخیره کردن، کنار گذاشتن و اختصاص دادن» است نه «معکوس شدن». اگر جمله درست ترجمه شود، دیگر نیازی به توضیح در پاورقی نیز نخواهد بود. ظاهراً reserve در اینجا با reverse به معنای «معکوس کردن، وارونه کردن»، (قس: ص ۴۰، س ۷) اشتباه شده است.

۳۷. سطر آخر ص ۱۳۴ چنین است: «رساله به ما نشان می‌دهد...». «رساله» در اینجا در ترجمه letter آمده است که نادرست به نظر می‌رسد؛ زیرا letter در این متن در برابر سه معنای دیگر یعنی allegory, moral meaning و anagogy به کار رفته است و معنای آن «لفظ / حرف / نص» است (مثل ص ۹۱ س ۷) یعنی معنای ظاهری یا نص عبارت، در ص ۵۲ س ۵ و ص ۵۴ س ۱۴ و ص ۱۴۶ س ۱۶ نیز letter به «نامه» ترجمه شده که نادرست است و باید به «حرف / لفظ / نص» ترجمه شود.

۳۸. در ص ۱۵۸ س ۹ چنین آمده است: «والا قبل از بازجویی به دادگاه احضار شد».

Valla was summoned before the Inquisition

ولی ترجمه صحیح آن «والا به دادگاه تفتیش عقاید احضار شد» است. before در اینجا به معنای «قبل» نیست بلکه به معنای «در حضور / در برابر / مقابل» است؛ چنانکه در ص ۱۵۹ س ۶ به همین معنا ترجمه شده است: «او به یک دادگاه کلیسایی احضار شد»؛ He was tride before an ecclesiastical court.

۳۹. ص ۱۶۲ س ۱۳: «نظریات کالت جوان مورد علاقه و شیفتگی سیسرو، افلاطون و پلوتینوس واقع شد». مراد از پلوتینوس همان فلوطین معروف است، ولی با خواندن این جمله، خواننده می‌پرسد که این «کالت جوان» چه اعجوبه‌ای بوده است که چنین بزرگانی شیفته‌اش بوده‌اند؟ بگذریم که کالت در قرن شانزدهم می‌زیسته و آنان همگی قرن‌ها پیش از وی بوده‌اند! متن انگلیسی چنین است:

The young Colt was fascinated by Cicero, Plato, Plotinus.

یعنی کالت جوان مسحور و مجذوب سیسرو، افلاطون و فلوطین بود.

۴۰. در ص ۱۶۲ س ۱۵ «آکویناس» درست نیست و آگوستین (Augustine) درست است.
 ۴۱. در ص ۱۶۴ Leviathan ترجمه نشده، در حالی که این کتاب همان *لویاتان* اثر مشهور هابز است که به فارسی نیز ترجمه شده است: ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

در ص ۱۶۵ عباراتی از این کتاب نقل شده است. در این موارد، متعارف آن است که اگر ترجمه‌ای از اصل کتاب منتشر شده باشد، این نقل‌قول‌ها را از همان ترجمه اخذ می‌کنند، مگر اینکه مترجم آن ترجمه را قبول نداشته باشد و ترجمه خود را بهتر و مناسب‌تر بداند. ولی با مقایسه ترجمه‌های ارائه‌شده در این صفحه با عین همان متن‌ها

نکاتی درباره آشنایی بیشتر با مصطلحات ادبانی در ترجمه / ۱۳۵

در ترجمه *لویاتان* معلوم می‌شود که این ترجمه‌ها رجحانی ندارند و حتی مرجوح‌اند. مثلاً در نقل قول اول (ص ۱۶۵) چنین آمده است: «گفتن اینکه خداوند در کتاب مقدس با انسان سخن گفته است بدین معنا نیست که خداوند مستقیماً اما به واسطه پیامبران یا رسولان یا کلیسا... با انسان سخن گفته است». متن انگلیسی چنین است:

To say that God hath spoken to him in the Holy Scripture is not to say that God hath spoken to him immediatly but by mediation of the prophets or of the apostles or of the church.

«مستقیماً اما به واسطه پیامبران» متناقض است و معنا ندارد و این ناشی از پی نبردن به ساختار جمله انگلیسی است. حرف ربط *but* در این جمله اضراب از حکم منفی پیشین است و حکم دیگری را اثبات می‌کند یعنی: «گفتن اینکه... به معنای سخن گفتن مستقیم خدا با انسان نیست، بلکه به معنای سخن گفتن او به واسطه پیامبران... است». این جمله در ترجمه *لویاتان* درست ترجمه شده است (هابز، ۱۳۸۱: فصل ۳۲/ ۳۳۰، قس: عزیز، بی‌تا: ۹۲-۹۳).

۴۲، ص ۱۶۵ س ۷: «او... مرجعیت کتاب مقدس را فراتر از این کاهش می‌دهد». متن انگلیسی چنین است:

He further minimizes the authority of scripture.

further در اینجا به معنای «فراتر از این» نیست، بلکه به معنای «همچنین/وانگهی/به علاوه» است یعنی: او همچنین مرجعیت کتاب مقدس را کاهش می‌دهد. ۴۳، ص ۱۶۸ س ۱۴: «الاهیات نه ملزم به خدمت به عقل و نه الاهیات عقلانی است». متن انگلیسی چنین است:

Theology is not bound to serve reason, nor reason theology.

در اینجا نیز ساختار جمله انگلیسی به درستی درک نشده است. قسمت دوم این عبارت یعنی *nor reason theology* خود جمله مستقلی است که به عنوان عدل و لنگه جمله اول آمده است؛ بنابراین ترجمه صحیح این عبارت چنین است: نه الاهیات ملزم به خدمت به عقل است و نه عقل (ملزم به خدمت به) الاهیات. قسمت داخل پرانتز به قرینه جمله اول در تقدیر گرفته می‌شود. ترجمه عربی همین فصل از رساله اسپینوزا نیز مؤید این معناست: «الفصل الخامس عشر و فيه نبين ان اللاهوت ليس خادماً للعقل و انّ العقل ليس خادماً لللاهوت» (اسپینوزا، بی‌تا: ۳۶۵، قس: عزیز، بی‌تا: ۹۴-۹۵).

۴۴. ص ۱۶۹ س ۱۷: «سپس ما تاریخ متعاقب کتاب وی را، و در نهایت نتیجه آن در مجموعه قوانین مذهبی مورد قبول کلیسا را بررسی کنیم». متن انگلیسی چنین است:

Then we examine the subsequent history of his book, and ultimately its inclusion in the canon. inclusion به معنای «گنجاندن و وارد کردن» است و ظاهراً در اینجا با conclusion به معنای «نتیجه» اشتباه گرفته شده و ترجمه‌ای نادرست ارائه شده است. ترجمه درست چنین است: سپس ما تاریخ بعدی کتاب او و نهایتاً گنجاندنش در نسخه رسمی کتاب مقدس را بررسی می‌کنیم.

۴۵. ص ۱۶۹ س ۲۱-۲۲: «این مطلب» و «این مقدمات» هر دو نادرست هستند و باید به «این روش» ترجمه شوند؛ زیرا در سطر قبل از آن، سخن از «روش اسپینوزا» است و ضمیر it در دو جمله بعد به آن بازمی‌گردد.

۴۶. ص ۱۷۴ س ۶: «حقایق باید در تحلیل خاستگاه منحل شوند». (The facts might be dissolved in source analysis). منحل شدن در تحلیل خاستگاه یعنی چه؟ آیا خواننده فارسی از این جمله چیزی می‌فهمد؟ ترجمه درست چنین است: در تحلیل منابع، امور مسلم هم ممکن است باطل شوند (و بی‌پایه از آب درآیند).

۴۷. ص ۱۸۴ سطر آخر: «او برای لیبرالیسم در کلام ایستادگی کرد». (It stood for liberalism in theology). ضمیر it به «جنبش» مذکور در دو سطر قبل برمی‌گردد و نباید به «او» ترجمه شود. stand for هم به معنای «حمایت / دفاع کردن» است؛ بنابراین ترجمه درست چنین است: این جنبش حامی/مدافع آزاداندیشی در الاهیات بود.

۴۸. ص ۱۸۹ س ۱۶: در ترجمه venturesome critics «منتقدان مخاطره‌آمیز» آمده است. «مخاطره‌آمیز» صفتی است که در توصیف کارها به کار می‌رود نه در توصیف اشخاص؛ بنابراین باید گفت: منتقدان خطرپذیر/بی‌باک / مخاطره‌جو / ماجراجو.

۴۹. ص ۲۰۷ س ۱۶: «بلکه این امر موفقیت بسیار کمتری است» (much less an achievement...).

much less به معنای «بسیار کمتر» نیست بلکه به معنای «چه رسد به اینکه» است؛ (مرمنگ مزاره: ۱۰۷۳؛ باطنی، ۱۳۸۵: ۹۶۵) بنابراین، ترجمه درست این عبارت چنین است: چه رسد به اینکه یک موفقیت / دستاورد تلقی شود.

۵۰. ص ۲۲۳ سطر اول: misplaced concretion به «جمود جابه‌جاشده» ترجمه شده که

بی‌معناست و باید گفته شود: جمود نابجا / بی‌جا / بی‌مورد (هرمنگ مزاره: ۱۰۴۶).
۵۱. در ص ۲۵۱ س ۱۴ فعل «فرامی‌گیرد» ترجمه *envelop* (به معنای دربرگرفتن و احاطه کردن) است؛ در ص ۱۶۹ س ۱ *taught* (از مصدر *teach* و به معنای آموختن و تعلیم دادن) به «فراگرفته می‌شود» ترجمه شده است؛ در ص ۲۰۳ س ۱۱ «فراگرفته شده است» و ص ۲۸۰ سطرهای ۱ و ۵ و ۹ «فراگیری» در برابر *learn* (به معنای یادگرفتن و آموختن) گذاشته شده است. بهتر است در ترجمه از معادلی استفاده شود که مشترک نباشد و اگر «فراگرفتن» به معنای «دربرگرفتن و شامل شدن» به کار می‌رود، برای رساندن معنای «تعلیم دادن و یادگرفتن» از واژه‌ای غیر از «فراگرفتن» استفاده شود.

۵۲. ص ۲۵۲ س ۱۷ چنین است: «اما اسکار ویلد با این نظریه موافق نیست. به نظر وی صحیح نیست که گفته شود تنها راه برای مقابله با وسوسه، تسلیم شدن در برابر آن است.» متن انگلیسی چنین است:

But, pace Oscar Wilde, it is not true that the only way to resist temptation is to yield to it.

pace در متن انگلیسی واژه‌ای لاتینی (لذا به صورت ایتالیک نوشته شده است) و به معنای «بر خلاف نظر، علی‌رغم نظر» است؛ بنابراین ترجمه این جمله چنین است: برخلاف نظر اسکار وایلد، درست نیست که گفته شود تنها راه برای مقابله با وسوسه تسلیم شدن در برابر آن است. یعنی اسکار وایلد تسلیم در برابر وسوسه را می‌پذیرد، ولی نویسنده این کتاب با نظر او مخالف است و تسلیم در برابر وسوسه را نمی‌پذیرد. در ترجمه کنونی، معنای جمله کاملاً برعکس شده است.

به عبارت دیگر *...it is not true* بیان نظر نویسنده است نه اسکار وایلد، و *pace Oscar Wilde* عبارت معترضه است و می‌توان آن را در پرانتز قرار داد.

۵۳. ص ۲۵۹ س ۲: «به عبارت دقیق‌تر، کلام تفسیری است از یک سنت مذهبی به خاطر خودش.» متن انگلیسی:

More exactly, theology is an interpretation of a religious tradition for the sake of the religious tradition itself.

«به خاطر خودش» ترجمه دقیقی نیست و معلوم نیست که مرجع «خودش» «کلام» است یا «تفسیر» یا «سنت مذهبی»؛ در حالی که مقصود نویسنده ارائه بیانی دقیق‌تر (*more exactly*) است و در خود متن (انگلیسی) نیز به مرجع ضمیر تصریح کرده است

(the religious tradition itself). ترجمه دقیق این جمله چنین است: به بیان دقیق‌تر الاهیات تفسیری است از سنتی دینی به خاطر خود آن سنت دینی.

۵۴. ص ۲۶۵ س ۷: «by the phrase "with the apostles" به «با جمله "با رسولان" ترجمه شده است. Phrase به معنای «عبارت / تعبیر» است و در اینجا نمی‌توان آن را «جمله» معنا کرد؛ زیرا «با رسولان» جمله نیست. از طرف دیگر در سطر ۱۸ همین صفحه در ترجمه theological statement «عبارت کلامی» آمده است. statement به معنای «جمله / گزاره / حکم» است و بهتر است به «گزاره / حکم الاهیاتی» ترجمه شود.

۵۵. ص ۲۶۷ س ۲۴: «مسیحیان در اینجا... معتقدند که نه «با» بلکه «در» رسولان». متن انگلیسی چنین است:

Here Christians believe,... , not *with* but *in* the apostles

believe in به معنای «اعتقاد داشتن به» است و فعل «اعتقاد داشتن» در فارسی با حرف اضافه «به» به کار می‌رود و «in» در اینجا «به» معنا می‌شود نه «در». ترجمه درست چنین است: مسیحیان در اینجا... نه *با* بلکه *به* رسولان معتقدند.

۵۶. یک نمونه هم از حسن این ترجمه بگوییم تا صرفاً ذکر معایب نشده باشد. در ص ۱۳۸، نقل قول دوم از توماس آکویناس چنین است: «دستیابی به حقایق عقلانی از طریق اشیای محسوس برای انسان امری طبیعی است؛ زیرا تمام دانش‌های ما از حواس سرچشمه می‌گیرند». متن انگلیسی چنین است:

It is natural to man to attain to intellectual truths through sensible objects, because all our knowledge originates through sense.

این جمله در کتاب فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها (۳۰۳/۱)، ستون دوم) چنین ترجمه شده است: «برای آدمیان طبیعی است که از طریق ملموسات و^۱ واقعیات ذهنی پی ببرند، زیرا دانش ما از مفاهیم منشأ می‌گیرد».

مراد از sense در اینجا «حواس» ظاهری است و قرینه آن نیز در خود این جمله ذکر

۱. «و» در اینجا نادرست است و باید «به» باشد. در متن انگلیسی این کتاب به جای things, objects و به جای through, from آمده است.

شده است یعنی sensible objects که به «اشیای محسوس» یا «ملموسات» ترجمه شده است؛ بنابراین ترجمه آن به «مفاهیم» نادرست است؛ زیرا اگر آن را به «مفاهیم» ترجمه کنیم، تعلیل ذکر شده در ذیل جمله با حکم مذکور در صدر جمله متناسب نخواهد بود. این جمله به همان اصطلاح معروف «تشبیه معقول به محسوس» اشاره دارد؛ یعنی چون ذهن ما انسان‌ها با محسوسات خو گرفته است، برای درک امور عقلی و غیرحسی بهتر است که آنها را به امور محسوس تشبیه کنیم.

اشکال‌های صوری

۵۷. در صفحه شناسنامه کتاب سطر ۱۸ نوشته شده است: «موضوع: آشتیانی، جلال‌الدین ۱۳۰۴-۱۳۸۴ - مصاحبه‌ها» که معلوم نیست چه ربطی به کتاب حاضر دارد.

۵۸. ارجاعات به کتاب مقدس برخلاف شیوه مرسوم است. رسم است که از سمت راست به چپ، ابتدا نام کتاب مورد نظر و سپس شماره باب و سپس شماره آیه مورد نظر ذکر شود؛ (در این باره رک: سلیمانی، ۱۳۸۲: ۴۹) مثلاً پیدایش، ۱: ۲، یعنی سفر پیدایش، باب اول، آیه دوم. ولی در ترجمه حاضر جای باب و آیه با هم عوض شده و از سمت چپ به راست نوشته شده است؛ مثلاً مرقس ۱۷: ۱۱، یعنی انجیل مرقس، باب ۱۱، آیه ۱۷. بهتر است که شیوه متعارف رعایت شود، مگر اینکه مرجحی در کار باشد؛ ولی در اینجا مرجحی وجود ندارد و ترجیح در رعایت شیوه متعارف است، به‌ویژه در مواردی که آیه مورد نظر به همراه آیات بعدی مورد استناد باشد (مثلاً ص ۲۶ س ۱۱: مرقس ۱: ۷ به بعد). در این‌گونه موارد عدم رعایت شیوه متعارف باعث می‌شود که چشم خواننده برای خواندن عددها مجبور به حرکت زیگزاگی باشد؛ زیرا «به بعد» مربوط است به آیه (در مثال مذکور مربوط است به آیه ۱). به علاوه شیوه مذکور در نخستین ارجاع به کتاب مقدس رعایت نشده است. در پاورقی (ص ۲۴ ش ۱) تذکر داده شده است که «در تمام این موارد عدد سمت چپ شماره باب و عدد سمت راست شماره آیه است». در ص ۲۴ س ۱۰ که نخستین ارجاع به کتاب مقدس است، نوشته است: «مرقس ۱۰: ۲ به بعد» که طبق شیوه مذکور باید آیه ۱۰ از باب ۲ انجیل مرقس مراد باشد، در حالی که این آیه ربطی به بحث ندارد و نشانی درست مرقس، باب ۱۰، آیه ۲ است که از حکم طلاق بحث می‌کند.

۵۹. در ص ۲۹ س ۱ چنین آمده است: «پیمانی که پیشگویی ارمیای نبی را محقق ساخت» (مرقس ۲۴: ۲۴). نشانی ذکر شده اشتباه است - چنان‌که در پاورقی نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ ولی یافتن آدرس درست چندان هم دشوار نبوده است، زیرا به احتمال زیاد در حروف چینی ۱۴ به ۲۴ تبدیل شده است. نشانی درست این مطلب (مرقس ۱۴: ۲۴) است: «و بدیشان گفت این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری ریخته می‌شود؛ عهد جدید» در این جمله اشاره است به پیمان مذکور.

۶۰. ص ۱۵۰ در پاورقی ادعا شده است که «آدرس مزبور اشتباه است؛ حال آنکه آدرس مذکور محل شاهد نقل قول است و اشتباه نیست.

۶۱. نقل قول دوم ص ۱۶۵ مربوط است به فصل ۴۴ *لویاتان* (ص ۴۹۶ ترجمه فارسی) ولی مرجع نقل قول ذکر نشده است؛ لذا مراد از «فصل بعد» در سطر بعدی مشخص نمی‌شود، زیرا مراد از آن فصل ۴۵ کتاب *لویاتان* است.

۶۲. ص ۱۷۷ عنوان کتاب *رنان Vie de Jesus* به فارسی ترجمه نشده اما در ص ۱۸۹ همین عنوان به «بافتن درباره مسیح» ترجمه شده است. اولاً نام این کتاب *زندگانی عیسی* است (رک: کاپلستون، ۱۳۸۴: ۱۲۸/۹) ثانیاً نام خود *رنان* نیز به دو صورت آمده است: *رنان* و *رنن* که باید یکسان شود. در نمایه پایان کتاب (ص ۳۵۸) نیز هر دو صورت نمایه شده است که باید اصلاح شود.

۶۳. معادل انگلیسی برخی از اعلام در پاورقی آمده و در برخی موارد تکرار نیز شده است (مثلاً نام *Renan* چهار بار تکرار شده است)،^۱ ولی معادل بسیاری از اعلام ذکر نشده است.

به علاوه معمول آن است که معادل انگلیسی را در نخستین باری که نام خاص ذکر می‌شود می‌آورند؛ اما در برخی موارد چنین نشده است (مثلاً «گریگوری نازیانزی» برای

۱. در صفحات ۱۷۷، ۱۸۸، ۲۹۵، ۲۹۷ موارد دیگر تکرار عبارت‌اند از: ص ۱۸ ش ۲ و ص ۱۵۷ ش ۱۱ ص ۲۵ ش ۱ و ۱۳ ص ۳۲ ش ۲ و ص ۶۵ ش ۱۴ ص ۷۶ ش ۱ و ص ۸۰ ش ۱۲ ص ۲۷ ش ۲ و ص ۸۱ ش ۱۳ ص ۴۱ ش ۱ و ص ۸۵ ش ۱۲ ص ۱۰۴ ش ۱ و ص ۱۱۰ ش ۱۳ ص ۱۰۷ ش ۲ و ص ۱۱۰ ش ۱۲ ص ۱۱۴ ش ۱ و ص ۱۳۳ ش ۱۲ ص ۱۱۴ ش ۳ و ص ۱۵۸ ش ۱۳ ص ۱۲۵ ش ۱ و ص ۱۶۲ ش ۱۴ ص ۱۶۲ ش ۳ و ص ۲۱۴ ش ۱.

نکاتی درباره آشنایی بیشتر با مصطلحات ادبانی در ترجمه / ۱۴۱

نخستین بار در ص ۱۰۱ س ۷ آمده است اما معادل آن در ص ۱۱۲ ش ۳ ذکر شده است؛ «جان کالت» ص ۱۸ س ۱۷، معادلش ص ۱۶۰ ش ۴؛ «پروفیسری» (فرفوریسوس) ص ۱۰۱ س ۲۲، معادلش ص ۱۶۳ ش ۲. گاهی هم ابتدا اسم خاصی آمده و در صفحه‌ای دیگر توضیحی برای آن آمده، در حالی که بهتر است این توضیح در همان جایی که آن نام ذکر شده بیاید مثل ص ۲۵ ش ۱ و ص ۵۰ ش ۲ (توضیح درباره فیلو)؛ ص ۷۹ ش ۱ و ص ۸۲ ش ۳ (توضیح درباره ایرناتوس)؛ ص ۱۰۴ ش ۴ و ص ۱۱۰ ش ۴ (توضیح درباره طرسوس)؛ ص ۱۱۴ ش ۳ و ص ۱۵۸ ش ۳ (توضیح درباره ادسا)؛ ص ۱۲۵ ش ۱ و ص ۱۶۲ ش ۴ (توضیح درباره امبروز)، و ص ۲۶۰ ش ۱ و ۲ که توضیحی درباره سفر پیدایش و سفر خروج است در حالی که بنا بر نمایه (ص ۳۵۹) نام این دو پیش از این به طور مکرر آمده است.

۶۴. در برخی موارد توضیحات پاورقی زائد به نظر می‌رسد (مثل ص ۱۶ ش ۲؛ ص ۹۶ ش ۲؛ ص ۱۴۶ ش ۱ و ۵؛ ص ۱۹۰ ش ۲؛ ص ۲۲۰ ش ۳ که تکرار ش ۱ ص ۲۹ است؛ ص ۲۷۵ ش ۱ که تکرار ش ۲ ص ۲۶۵ است). اگر ترجمه درست و مناسب باشد کمتر به پاورقی یا گروه‌های توضیحی نیاز است و اصولاً، افزوده‌های توضیحی مترجم هرچه کمتر باشد، نشانه موفقیت بیشتر ترجمه است. البته در موارد زیاد دیگری که نیازمند توضیح بوده نیز توضیحی نیامده است (مثل «بالام»، «میشه لانگلو»، «رسائل کاتولیک»، «هنرهای لیبرال» و...).

۶۵. ارجاعاتی که در صفحات ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۱۵، ۳۱۶ و ۳۱۷ به مطالب خود کتاب داده شده، همگی اشتباه است و با شماره صفحات چاپ کنونی آن مطابقت ندارد.

۶۶. اسامی کتاب‌ها چه در متن و چه در پاورقی در برخی موارد ایتالیک شده اما در موارد زیادی چنین نشده است؛ در مقابل، گاه مواردی که نباید ایتالیک می‌شده نیز ایتالیک شده است (مثل ص ۱۵۳: «مقدمه‌ای بر اردینال»).

۶۷. واژه‌های غربی به کرات به کار رفته است (مثل گرامری، متد، سمیوتیک، مدل، مدرن، متدلوژیکال، متدلوژیسم،...)؛ در حالی که معادل این واژه‌ها در زبان فارسی وجود دارد و در مواردی نیز در همین ترجمه به کار رفته است (مثل دستور زبان، روش، نشانه‌شناسی / شناختی و...).

۶۸. جمله‌های مبهم و نامفهوم در این ترجمه کم نیست و این اشکال به‌ویژه در بخش دوم (۲۳۷-۲۸۱) - که مطالبش دشوار و سنگین است - بیشتر محسوس است. این اشکالات حتی در بخش سوم نیز که تألیفی است به چشم می‌خورند، مثل ص ۳۰۲ س ۱۳: «این امر در اسلام مشکل را برنمی‌تابد» یا ص ۳۰۴ سطر آخر: «... از ابواب مختلف مورد تجدید نظر کنیم».

۶۹. اشکالات موجود در متن کتاب باعث شده است که نمایه هم خالی از اشکال نباشد و موارد تکراری در آن مشاهده شود. نمایه کردن اعلام پربسامدی نظیر «کتاب مقدس» و «کلیسا» نیز معلوم نیست آن فایده‌ای که از نمایه انتظار می‌رود را داشته باشد. ۷۰. کتاب از اغلاط تاییبی هم خالی نیست که باید اصلاح شوند؛ مثل ص ۲۷ س ۱۴ «مستثقل»، همان صفحه پاورقی ۱ «صی»، ص ۵۰ س ۱۷ و ص ۳۶۱ «فلیون»، در حالی که در موارد دیگر «فیلو» آمده که همان فیلون است.

آنچه ذکر شد اشکالاتی بود که با مطالعه ترجمه فارسی کتاب حاضر و رجوع به متن انگلیسی آن به نظر نگارنده آمد و البته خیلی از موارد اشکال را نیز در این نوشته نیاوردم؛ زیرا ذکر همه آنها از حوصله این نوشتار خارج است. نگارنده درصدد مقابله همه ترجمه با متن اصلی آن نبوده‌ام و حدسم آن است که اگر این مقابله صورت گیرد، اشکالات بیشتری رخ نماید و کمتر صفحه‌ای باقی بماند که از عیب و ایراد عاری باشد. البته کارهای بشری هیچ‌گاه کامل محض و عاری از هر گونه اشکال و ایراد نیست و به قول حسن حنفی «کمال در کار بشر وجود ندارد. کمالش در انجام آن و تحققش از مرحله نیت به مرحله عمل و از عالم امکان به عالم واقع و از عالم ذهن به عالم عین است» (۲۰۰۵: ۱۵/۱).^۱ ولی این موضوع را نباید بهانه‌ای برای شتابزدگی در عرضه کارها و آثار گرفت، مخصوصاً اگر توجه کنیم که چه هزینه‌هایی صرف چاپ و نشر کتاب می‌شود و خوانندگان چه مقدار هزینه و وقت صرف خواندن آن می‌کنند و نیز توجه کنیم که هر اشتباه در نسخه مترجم یا مؤلف یک اشتباه است، ولی وقتی که چاپ

۱. «فالكمال لا وجود له في العمل الانساني ك...» في اجازة و تعوله من التبة الى التحق و من الامكان الى الواقع و من عالم الازهان الى عالم الاعيان بتعير القدماء».

نکاتی درباره آشنایی بیشتر با مصطلحات ادبانی در ترجمه / ۱۴۳

می‌شود، ضرب در تیراژ آن می‌شود و به تعداد تیراژ کتاب، اشتباه هم افزایش می‌یابد. بنابراین بهتر است که ترجمه‌ها پیش از آنکه به چاپ سپرده شوند، از نظر اهل فن گذرانده شوند و اشکالاتشان به کمترین حدت برسد. به نظر می‌رسد برخلاف آنچه در ص ۱۰ کتاب حاضر آمده که «پس از اصلاحات نهایی... به شورای آثار ارسال گردید»، این کتاب هنوز تا اصلاحات نهایی فاصله زیادی دارد. نگارنده امیدوارم که در نکات ذکر شده هدایتی باشد و برای خوانندگان فایده‌ای داشته باشد و خود در آنچه به قلم آورده‌ام چندان به بیراهه نرفته باشم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌نامه

- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، *فرهنگ علوم انسانی*، ویراست دوم، تهران: نشر مرکز.
- اوپوکریفای عهد عتیق (۱۳۸۳)، ترجمه عباس رسولزاده و جواد باغبانی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- اسپینوزا (بی‌تا)، *رساله فی اللاهوت و السياسة*، ترجمه حسن حنفی، تهران: مکتبه النافذة.
- اعلم، امیر جلال‌الدین (۱۳۶۷)، *فرهنگ اعلام کتاب مقدس*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باطنی، محمدرضا و دستیاران (۱۳۸۵)، *فرهنگ معاصر پویا*، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- پانن برگ، ولفهارت (۱۳۸۶)، *درآمدی به الاهیات نظام‌مند*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۵)، *حسین سامعی و نرگس انتخابی*، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- حنفی، حسن (۲۰۰۵)، *من النص الى الواقع محاولة لاعادة بناء علم اصول الفقه*، دارالمدار الاسلامی.
- رابرتسون، آرچیبالد (۱۳۷۸)، *عیسی اسطوره یا تاریخ*، ترجمه حسین توفیقی، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- سلیمانی، حسین (ترجمه و تألیف) (۱۳۸۴)، *عدالت کیفری در آیین یهود*، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۸۲)، *کتاب مقدس*، ایران: انجمن معارف اسلامی.
- عزیز، فهیم، *علم التفسیر (بی‌تا)*، قاهره: دارالثقافة.
- فرهنگ جامع پیشرو آریان پور (شش جلدی) (۱۳۸۵)، تهران: نشر الکترونیکی جهان رایانه، چاپ ششم.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸)، *تاریخ فلسفه*، ج ۱، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی و سروش.
- _____ (۱۳۸۴)، *تاریخ فلسفه*، ج ۹، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و سید محمود یوسف ثانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی و سروش.
- _____ (۱۳۸۷)، *تاریخ فلسفه*، ج ۲، ترجمه ابراهیم دادجو، تهران: انتشارات علمی فرهنگی و سروش.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه قدیم)، انتشارات ایلام، چاپ سوم، ۲۰۰۲.
- کتاب‌هایی از عهد عتیق، *کتاب‌های قانونی ثانی*، ترجمه پیروز سیار، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
- لوفمارک، کارل (۱۳۸۵)، *کتاب مقدس چیست؟*، ترجمه محمدکاظم شاکر، تهران: انتشارات دستان.
- مجیدی، فریبرز (۱۳۸۱)، *فرهنگ تلفظ نام‌های خاص*، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

نگانی درباره آشنایی بیشتر با مصطلحات ادبانی در ترجمه / ۱۴۵

مفتاح، احمدرضا (۱۳۸۵)، «آمرزیدگی از راه ایمان در مسیحیت»، *هفت آسمان*، ش ۳۰، مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، *تفسیر نمونه*، با همکاری جمعی از نویسندگان، ج ۷، چاپ بیست و هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی*، ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۴)، *درسنامه الاهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

هابز، توماس (۱۳۸۱)، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

هیگ، جان (ویراسته) (۱۳۸۶)، *اسطوره تجسد خدا*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی و محمدحسن محمدی مظفر، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

واینر، فیلیپ پی. (ویراسته) (۱۳۸۵)، *فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: انتشارات سعاد.

The Oxford Dictionary of the Christian Church (1997), Ed. by F. L. Cross, Third Ed. by E. A. Livingston.

شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني